

ایران پساتحریم و چشم‌انداز ائتلاف راهبردی با روسیه

سید شمس‌الدین صادقی^۱ - سمیرا مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۹

چکیده

در دوران پس از جنگ سرد دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بخش مهمی از تلاش خود را معطوف به سیاست نگاه به شرق از طریق تقویت ائتلاف‌های بین‌المللی با هدف تضعیف فشارهای ساختاری علیه خود کرده است. در دوران پساتحریم نیز جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا در جهت تأمین بخشی از اهداف سیاسی خود، از تک قطبی شدن ساختار نظام بین‌الملل جلوگیری نماید. در این میان اگر چه روابط ایران و روسیه فراز و نشیب بسیاری را تجربه کرده، با این وصف، کشور روسیه به‌عنوان یک قدرت برتر در نظام بین‌الملل که شاخص‌های برتری قدرت خود را در ابعاد مختلف اقتصادی، نفوذ سیاسی و نظامی ارتقا بخشیده است، مورد توجه دستگاه دیپلماسی ایران قرار گرفته تا از طریق توسعه همکاری با این کانون قدرت بین‌المللی، بخشی از اهداف ملی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین شود. متقابلاً ایران نیز برای روسیه یک متحد منطقه‌ای مهم برای مقابله با نفوذ امریکا در منطقه خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز تلقی می‌شود. با توجه به این مهم، به نظر می‌رسد که هدف جمهوری اسلامی ایران از گسترش مناسبات راهبردی با روسیه، کاهش فشارهای ساختاری علیه خود باشد.

واژگان کلیدی: پساتحریم، ایران، روسیه، ائتلاف راهبردی.

sh.sadeghi1971@gmail.com

moradi.sami1369@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه رازی، کرمانشاه

مقدمه

نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای غربی طی دهه گذشته و با تأکید در دوران ریاست جمهوری روحانی یکی از نقاط عطف در مقاطع تاریخی حرکت ضد سلطه انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. واقعیت این است که اگرچه تحریم‌ها نتوانست حرکت رو به رشد ایران را متوقف کند، اما حل این موضوع و رفع تحریم‌ها می‌تواند یکی از نقاط بزرگ اثرگذار بر رشد و شکوفایی اقتصادی آینده ایران باشد. با نگاهی به گذشته نیز در خواهیم یافت که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابیون برای گسست از سلطه شبه استعماری دولت‌ها بیگانه و نیز رهایی از یوغ مناسبات مبتنی بر سلطه، در تدوین قانون اساسی و در بخش مربوط به تنظیم اصول سیاست خارجی بر امر «نه شرقی و نه غربی بودن» بسیار تأکید می‌کردند؛ اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به تدریج از زمان تشکیل دولت سازندگی، بستر همکاری‌های اقتصادی و فنی ایران و روسیه فراهم شد و این انگاره که روسیه جدید می‌تواند متحدی نیرومند برای برقراری مناسبات راهبردی با ایران در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی تلقی شود، شکل گرفت. اما این مطلب که در دوران پساتحریم، توسعه همکاری‌های اقتصادی و فنی خواهد توانست به سطح بالاتری از همکاری‌های سیاسی و همگرایی راهبردی در مناسبات ایران و روسیه منجر شود، دغدغه اصلی در نگارش این پژوهش است. با توجه به این مهم، تحقیق حاضر در پی آن است تا برای این پرسش، پاسخ مناسبی بیابد: در دوران پساتحریم جمهوری اسلامی ایران از گسترش مناسبات راهبردی با روسیه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ فرضیه پژوهش: در دوران پساتحریم جمهوری اسلامی ایران از گسترش مناسبات راهبردی با روسیه، در پی ائتلاف‌سازی سیاسی با هدف کاهش فشارهای ساختاری و ایجاد تعادل در برابر نظام هژمونیک حاکم است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

پیشینه و ادبیات پژوهش

جهانگیر کرمی در پژوهشی با عنوان «روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)»، وارد این مقوله می‌شود. ازدیدگاه نویسنده، دگرگونی نظام‌های سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیک، منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل، دو دولت ایران و روسیه را در وضعیت ویژه‌ای برای همکاری قرار داده و دوره‌ای از مناسبات را برای دو کشور در دو دهه کنونی فراهم آورده است و سه عنصر هویت و ژئوپلیتیک و تهدید در سطوح سه گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فضای همکاری لازم را فراهم ساخته‌اند (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). با وجود

غنی بودن مطالب، در این پژوهش، کمتر به ساختار نظام بین‌الملل به‌عنوان یک متغیر مؤثر در تحلیل امکان یا امتناع مناسبات راهبردی ایران و روسیه پرداخته شده است.

ارس و اُزبای^۱ در پژوهشی با عنوان «محدودیت‌های اتحاد استراتژیک ایران و روسیه: تاریخ آن و ژئوپولیتیک و مسئله هسته‌ای»، اشعار می‌دارند اتحاد استراتژیک نوعی از روابط امنیتی گسترده است که شامل سایر ابعاد همکاری برای دست یافتن به اهداف مشترک در رابطه با کمک‌های نظامی، صنایع دفاعی، مانورهای نظامی مشترک، اشتراکات علمی، به‌کارگیری نیروهای نظامی در کشورهای متحد و آموزش‌های نظامی است که روابط ایران و روسیه از این مقوله خارج است (Aras and Ozbay, 2008: 57-58).

علی‌امیدی در پژوهشی با عنوان «چالش‌های ساختاری روابط ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، به بررسی این مسئله که چرا روس‌ها در رفتار با ایران با احتیاط و در بعضی موارد پیش‌بینی‌ناپذیر عمل می‌کنند و ایران نمی‌تواند بر روی روسیه به‌عنوان شریک راهبردی حساب کند، می‌پردازد. نتیجه‌نهایی این که از اواخر دهه ۱۹۸۰، ایران و روسیه به بهبود روابط متقابل اقدام کرده‌اند، ولی این بهبودی منجر به روابط راهبردی نشده است (امیدی، ۱۳۹۰: ۶۴-۴۳).

سید حسین سیف‌زاده، در پژوهشی با عنوان «عرصه سیاست جهانی، جایگاه ایران و روسیه و رابطه دو کشور»، اشعار می‌دارد که پیوند بین ایران و روسیه بیشتر به سود تحکیم موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه است، هرچند که ایران هم از مزایای فرعی و غیرمستقیم این پیوند بهره‌اندکی می‌برد. مطابق این دیدگاه، هر دو کشور درصدد باز تعریف خود و یافتن جایگاه مناسب در عرصه بین‌الملل هستند و پایداری ایدئولوژیک ایران به تعهدات خارجی، در مقابل عمل‌گرایی مقطعی روسیه در حوزه همکاری‌ها نشان می‌دهد که روسیه با وجود سیاست اعلانی همکاری راهبردی با ایران، در عمل، مناسبات خود را به مقتضای نیازهای تاکتیکی سامان می‌دهد و معلوم نیست رفتار سیاسی روسیه در آینده به‌هنگام رفع اضطرارهای آن کشور چگونه خواهد بود (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۸-۱۵).

مبانی نظری

هم‌گرایی و واگرایی دو اصطلاح رایج در ژئوپولیتیک و روابط بین‌الملل است. کشورها تحت تأثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری^۲، رقابت^۳ و تعارض^۴ با یکدیگر

1. Aras-Ozbay
2. Cooperation
3. Competition
4. Conflict

به سر می‌برند. در همین ارتباط دو دیدگاه در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای قابل طرح است: دیدگاه هم‌گرایی^۱ که ناظر بر روابط مطلوب و زمینه‌های مناسب همکاری میان کشورها به عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل است و دیدگاه واگرایی^۲ که بر وجود تعارضات و تضادها میان قدرت‌ها و کشورها دلالت دارد. در نظریه‌های ژئوپلیتیک، این اصل پذیرفته شده است که کشورهای دارای تقارن جغرافیایی^۳، اغلب دارای ارتباط سیاسی دوجانبه و چندجانبه هستند و سیاست خارجی آن‌ها به شدت از هم تأثیر می‌پذیرد. هرچه تقارن جغرافیایی بیشتر باشد، اثرپذیری متقابل بیشتر است و متناسب با نوع رابطه متقابل و همانندی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، انتظار ایجاد همگرایی بین آن‌ها بیشتر است. علاوه بر متغیر جغرافیا، عوامل فرامادی همچون هویت‌های تاریخی در تکوین و تداوم مناسبات خصمانه و دوستانه بین کشورها نیز مؤثر هستند (حافظ نیا و کاوندی کاتب، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۲).

در منطق روابط بین‌الملل نیز این اصل پذیرفته شده است که همکاری، هم‌گرایی و منطقه‌گرایی^۴ می‌تواند عاملی مهم در ایجاد صلح و ثبات بین‌المللی تلقی شده و رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد. در بیشتر موارد از هم‌گرایی به‌عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یاد شده است که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده در بلند مدت، باعث گسترش انترناسیونالیسم می‌شود. از دیدگاه مکاتب روابط بین‌الملل از جمله «کارکردگرایان»^۵ و «منطقه‌گرایان»^۶، ایجاد و توسعه همکاری‌ها و برقراری روابط اقتصادی، تجاری و حمل‌ونقل، از روش‌های مناسب برای ایجاد «همگرایی» در مناسبات بین‌المللی و تعمیق دوستی و ایجاد صلح و ثبات، بویژه در میان کشورهای یک منطقه است (Plano, Olton, 1982: 309-310).

در رهیافت کارکردگرایی به هم‌گرایی، بر ابعاد نهادی و سیاست‌گذارانه تأکید می‌شود. کارکردگرایان در روابط بین‌الملل بر این باورند که در اثر پیشرفت‌های علمی، فنی تکنیکی و افزایش پیچیدگی‌های جوامع کنونی، واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب بسته خود نیستند. زیرا احتیاج‌های جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جستجو کرد. بنابراین همکاری گسترده بین دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است و این نوع همکاری‌ها خود موجب افزایش عناصر صلح‌آمیز بین‌المللی می‌شود (قوام، ۱۳۸۰: ۲۴۸-۲۴۶). از این منظر، تجانس فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی از مؤلفه‌های وحدت‌بخشی

1. Convergency
2. Divergency
3. Political Synchronism
4. Regionalism
5. Functionalists
6. Regionalists

هستند که این امکان را به دولت‌های مستقل واقع در یک منطقه می‌دهند تا از منابع مادی و معنوی خود با همکاری مشترک بهره‌مطلب بگیرند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۱۳-۱۱۲).

از دیدگاه میترا نی^۱، سرمنشأ تعارضات میان دولت‌ها، وجود شکاف‌های سیاسی است و نمی‌توان بر این شکاف‌ها با توافق حقوقی نایل آمد (Popoviciu, 2010: 1-10). فرض او این است که اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد؛ آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن هست (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۰). میترا نی در کتابی با عنوان «نظام عملی صلح^۲» به بسط دیدگاه‌های خود در این خصوص می‌پردازد. وی با این فرضیه شروع می‌کند که نظام بین‌المللی جدید بایستی جایگزین نظام موجود که مسبب بروز جنگ است شود و در جستجوی یافتن یک راه‌حل عملی و جهانی، ایده گسترش همکاری‌های کارکردی را مطرح می‌نماید. از دیدگاه میترا نی همکاری در یک زمینه فنی به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر منجر می‌شود. احساس نیاز به همکاری، کشورها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث می‌شود که فعالیت و تجربه همکاری در زمینه‌های اقتصادی، مبنایی را برای همکاری و توافق‌های سیاسی فراهم سازد. از این منظر، اگرچه ادغام‌های اقتصادی و یا فنی به تنهایی نمی‌توانند به صلح منجر شوند، ولی پایه‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب موافقتنامه‌های سیاسی می‌شوند؛ امری که در پی خود صلح را به همراه خواهد داشت (Mitrany, 1975: 27-28). از ایرادهای وارده به رهیافت کارکردگرایی این است که اهداف، تقاضاها و نیازهای دولت‌ها را یکسان و مشابه فرض نموده و معتقد است این تشابه موجب همکاری در زمینه‌های فنی و اقتصادی می‌شود. هرچند که نظریه کارکردگرایی، واکنشی به وضعیت اروپای پس از جنگ جهانی دوم بود و در پی تبیین بسترهای ایجاد هم‌گرایی اروپایی بود، اما امروزه اقتصاد، سیاسی شده و اهمیت مسائل اقتصادی اگر بیشتر از مسائل سیاسی نباشد کمتر هم نیست؛ پس این نظریه به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی نیازها و تحولات جدید صورت گرفته در عرصه مناسبات بین‌المللی دنیای پس از جنگ سرد باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۲).

با گذر زمان برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی، بنیان نظریه‌ای جدید با عنوان نوکارکردگرایی^۳ را بنا نهاد که بیشتر در پیوند با ایده‌های نظریه پردازان به نام/رنست هاس^۴ است. است. هاس با این انتقاد از میترا نی که وی به عنصر قدرت توجه شایان نکرده است، تصریح می‌کند که قدرت را از رفاه نمی‌توان جدا کرد (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۷۶: ۶۷۴). از دیدگاه وی

1. David Mitrany
 2. A Working Peace System
 3. Neo-Functionalism
 4. Ernest Haas

هدف نوکارکردگرایی تبیین این مسئله است که چرا و چگونه دولت‌ها از بخشی از اقتدار خود چشم‌پوشی نموده، حاکمیت‌ها در هم ممزوج شده تا روش جدیدی را برای حل و فصل تعارضات تدبیر نمایند. هاس برخلاف میترانی، اقتصاد و سیاست را جدای از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی تأکید دارد. ازیک سو، هم‌گرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق‌ملی در سطح منطقه‌ای است (Haas, 1975 & Gehring, 1996: 225-253) و ازسوی دیگر، گروه‌های ذی‌نفع، احزاب سیاسی و گفتمان‌های حاکم در داخل کشورها نیز منافی را در ایجاد هم‌گرایی دنبال می‌کنند. این گروه‌ها پیوندهای فراملی نیز دارند؛ در این برداشت از هم‌گرایی، تأکید بر منافع مشترک متقابل است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲).

با توجه به همجواری مرزهای جغرافیای سیاسی و پیشینه تاریخی روابط ایران و روسیه و نیز با توجه به تحولات سیاسی صورت گرفته در مناسبات بین‌المللی ایران پس‌اتحریم، با بهره‌گیری از رهیافت نوکارکردگرایی در تحلیل نقش هم‌گرایی در تحکیم مناسبات بین‌المللی به تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر امکان ائتلاف راهبردی ایران و روسیه پرداخته می‌شود.

مناسبات راهبردی ایران و روسیه

نگاهی به گذشته

الف) دولت‌سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)

در پی تحولات ژئوپلیتیکی دهه ۱۹۸۰ در درون نظام اتحاد شوروی و خروج سربازان روس از افغانستان و استقلال جمهوری‌های ۱۵ گانه از مسکو، تهدید امنیتی روسیه از مرزهای کشور ایران دور شد. از این پس، فضای سنگین حاکم بر ذهن و روان ایرانی دگرگون شده و درک تصمیم‌گیران ایرانی از روس‌ها از یک دشمن به یک کشور یاری‌دهنده برای ایجاد بازدارندگی نظامی تغییر یافت. ایران سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ از ثبات و استقرار برخوردار بود و از این رو، رفتارهای خارجی آن نیز از تداوم بیشتری برخوردار شد. درعین تداوم این وضعیت، روی کارآمدن دولت‌سازندگی، سبب ایجاد رویکردی نوین در دستگاه دیپلماسی ایران برای ایجاد روابط راهبردی با روسیه شد (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹-۷۸).

پایان نظام دو قطبی و آغاز ساختاری جدید در نظام بین‌الملل که شباهت زیادی به نظام تک قطبی تحت رهبری امریکا داشت، موجب برخی تغییرها در سیاست خارجی ایران شد. همانگونه که نظریه واقع‌گرایی ساختاری پیش‌بینی می‌کرد، شرایط خودیاری^۱ جدید که در اثر ظهور ساختار تک قطبی و چند قطبی معطوف به تک قطبی به وجود آمده بود، جمهوری اسلامی ایران را واداشت تا در رفتار خارجی خویش تغییر ایجاد کند و به جای سیاست کناره‌گیری مبتنی بر نه شرقی- نه غربی

به سیاست اتفاق یا اتحاد روی آورد. در این راستا ایران تلاش کرد تا جهت پیشبرد سیاست خارجی مقابله‌گرایانه خویش به نوعی همکاری راهبردی با قدرت‌های رقیب امریکا بویژه روسیه دست یابد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۴). در همین ارتباط، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک روسیه، در سال ۱۹۹۸، بیان می‌دارد: «برای ایران، توسعه روابط با روسیه می‌تواند نه تنها جبرانی برای عدم همکاری با غرب باشد، بلکه به نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کمک می‌کند. رهبران ایران در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۵ به دنبال پیش بردن یک ایده همکاری استراتژیک و رابطه با روسیه با شعارهای ضد امریکایی که در این دوره در ایران غالب شده بود، هستند» (Naumkin, 1998: 1).

ب) دولت اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

دولت محمد خاتمی از آغاز زمام‌داری وی با هدف انجام اصلاحات داخلی و تنش‌زدایی با کشورهای جهان، سیاستی را در پیش گرفت که بیشتر نگاه فرهنگی به جهان و از جمله شرق داشت. ایران در این دوره بیشتر علاقه‌مند به گسترش روابط با غرب بود و این مسئله از دیدگاه دولت‌مردان دولت خاتمی ناشی می‌شد (ثقفی عامری، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰). به همین دلیل، روس‌ها به شدت نگران دگرگونی در تغییر روابط ایران و امریکا بودند. آن‌ها از تعارض دو کشور در جهت تأمین منافع خود سود بسیار می‌جستند و مایل به قطع این مزایا نبودند. اختلاف ایران و امریکا و مشی روسیه برای نزدیکی به ایران فرصتی را فراهم کرده بود تا روسیه بتواند با توجه به منافع خود در ایران، از روابط خصمانه در کشور بهره‌برداری نماید (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰).

در اکتبر سال ۲۰۰۰، سرگنی ایوانوف، دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه به ایران آمد و ضمن گفت‌وگو با مقامات ایرانی در مورد مسایل مختلف از طرف رئیس جمهور روسیه، از آقای خاتمی دعوت کرد تا از روسیه دیدن کند. طبق اظهارات پوتین با سفر آقای خاتمی به مسکو فصل تازه‌ای از روابط دوجانبه رقم خورد (پایور، ۱۳۸۲: ۹-۸). ملاقات سران دو کشور در نیویورک در سال ۲۰۰۰ کمک کرد تا وضعیت جدیدی پدید آید و روابط نزدیک روسیه و ایران در جایگاه ثابت و قانونی خود قرار گیرد و سپس در زمانی که خاتمی در سال ۲۰۰۱ از روسیه دیدن نمود و توافقنامه همکاری‌های اساسی را با ولادیمیر پوتین به امضاء رسانید، مناسبات دو کشور تحکیم شد (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). همچنین، حضور نظامی و امنیتی ایالات متحده امریکا در کشورهای همسایه ایران در کنار تهدیدهای سیاستمداران امریکا در حمایت از تغییر رژیم در ایران موجب شد که دولت اصلاحات به سمت اتحاد با قدرت‌های جهانی مانند روسیه حرکت کند. در طول دوران پس از جنگ سرد، ایجاد موازنه در برابر منافع منطقه‌ای امریکا یک هدف استراتژیک مشترک روسیه و ایران انقلابی بود. از همین رو مقامات ایران در

این دوران، روابط با روسیه را به‌عنوان یک بخش مهم از محاسبات استراتژیک نسبت به تهدید بلندمدت امریکا در نظر گرفتند (Burns and Sadri, 2008: 11-15).

پ) دولت اصولگرا (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

با پیروزی اصول‌گرایان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، دولت نهم با ریاست محمود احمدی‌نژاد آغاز به کار کرد. در تبیین دکترین سیاست خارجی ایران، دولت احمدی‌نژاد، فراسوی مفهوم قدرت و توازن قدرت قدم برداشت و عدالت را به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی ایران در سطح بین‌المللی و سازمان‌های جهانی عرضه کرد. از زمان روی کار آمدن دولت اصولگرا توجه به همکاری‌های منطقه‌ای بویژه با کشورهای شرق افزایش یافت و در قالب رویکرد نگاه به شرق مورد توجه قرار گرفت. این رویکرد فقط در روابط دوجانبه خلاصه نمی‌شد، بلکه به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایران نیز بود و در پی آن بود تا وابستگی کشور نسبت به بلوک‌هایی که همکاری لازم در مسائل سیاسی با ایران را نداشتند کمتر شده، در مقابل همکاری با آسیا و کشورهای شرقی که تناسب بیشتری با اقتضات جمهوری اسلامی ایران داشتند در دستور کار قرار گیرد. در این راستا باب جدیدی از گسترش روابط با کشورهای همچون چین و روسیه گشوده شد (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۲).

طرفداران رویکرد نگاه به شرق بر این باور بودند که گرایش ایران به شرق و اتحاد با کشورهای قدرتمند آسیایی می‌تواند منافع ملی ایران را تأمین و مسئله نبود متحد استراتژیک را برای این کشور حل نماید. بر این مبنا روسیه و چین که در عرصه بین‌المللی، الگوهایی از موازنه‌گرایی و تعامل با بازیگران منطقه‌ای را ارائه می‌کردند مورد توجه واقع شدند. نمود بارز این نگاه را می‌توان در عضویت ناظر ایران در سازمان همکاری شانگهای و درخواست برای عضویت رسمی در آن سازمان دید. آنچه در ایران به عنوان رویکرد و سیاست نگاه به شرق تلقی می‌شود با گفتمان‌های ملی‌گرا، اسلاوگرا و اوراسیاگرا و ضد آتلانتیک‌گرا در روسیه نیز اشتراک‌هایی دارد. گفتمان‌های یادشده در روسیه با نگرانی از نظام بین‌المللی تک قطبی مبتنی بر هژمونی امریکا و یک جانبه‌گرایی‌های آن در مسائل بین‌المللی از استقلال عمل دولت‌هایی چون ایران استقبال می‌کنند. در این دوره، سفر محمود احمدی‌نژاد به روسیه در جریان نشست سران سازمان همکاری شانگهای و سپس سفر رئیس‌جمهور روسیه برای نخستین بار به ایران اتفاق بسیار مهمی در تعمیق مناسبات سیاسی دو کشور بود. با سفر پوتین به تهران در سال ۱۳۸۷ و دیدار با رهبر انقلاب اسلامی و رئیس‌جمهور ایران، تحلیل‌گران سیاسی از اوج روابط دو کشور سخن گفتند (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۸۹-۱۷۳).

چشم‌انداز آینده

سیاست خارجی دولت اعتدال

گفتمان اعتدال، متضمن و مستلزم آن است که توازن ساختاری در سیاست خارجی برقرار و استمرار یابد و ایجاب می‌کند که روابط جمهوری اسلامی ایران به صورت متوازن و متعادل با کشورها و مناطق مختلف برقرار و توسعه یابد. بویژه اعتدال مستلزم آن است که بین سیاست نگاه به غرب و سیاست نگاه به شرق، سیاست نگاه به جنوب و سیاست نگاه به شمال و سیاست نگاه به مناطق جغرافیایی مانند جهان سوم گرای، آمریکای لاتین گرای، جهان اسلام گرای توازن و تعادل برقرار شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲/۴/۳۱). سیاست خارجی دولت تدبیر و امید را می‌توان حول محورهایی همچون تعامل گرای، احترام متقابل، دیپلماسی بُرد - بُرد، نفی خشونت و افراط، تنش‌زدایی و منطقه‌گرایی ارزیابی نمود. «روحانی در اولین نشست خبری که چند روز بعد از انتخابات برگزار شد، اولویت سیاست خارجی را روابط دوستانه و نزدیک با همه همسایگان عنوان کرد» (پایگاه خبری - تحلیلی انتخاب، ۱۳۹۳/۶/۶).

دیدار علی اکبر ولایتی، مشاور رهبری در امور بین‌الملل با رئیس‌جمهور روسیه و تقدیم پیام آقای روحانی، باب جدیدی در گسترش روابط ایران و روسیه و فراتر از آن در سطح بین‌المللی است. شرایط مذاکرات هسته‌ای و دیدارهای مکرر مقامات روسی و ایرانی از جمله سفر وزیر دفاع روسیه به تهران پس از سیزده سال، اهمیت این سفر و نقش آن در آینده روابط تهران و مسکو را نشان می‌دهد. دولت روسیه نیز از زمان روی کار آمدن آقای روحانی در ایران و عزم دولت برای یک سیاست خارجی تعامل‌گرا با غرب و بویژه پس از بحران اوکراین نگران فرجام پرونده هسته‌ای ایران بوده و آن را از جهت احتمال همکاری‌های بیشتر ایران و غرب، کاهش تنش‌های بین‌المللی و نیز امکان بیشتر غرب برای فشار بر روسیه ناخوشایند می‌داند. از این روی، پیام روحانی با فرض ناامیدی روسیه از توافق با غرب و با هدف ارائه بسته‌ای از پیشنهادهای عملی برای آغاز دوره جدیدی از روابط است. روابط ایران و روسیه در دوره دولت آقای روحانی مورد توجه بیشتر قرار گرفته و در این مدت مقامات دو دولت بارها با یکدیگر دیدار داشته و توافق‌هایی را امضا کرده‌اند و توجه روسیه به گسترش روابط با ایران بسیار اهمیت یافته تا جایی که حتی از شراکت راهبردی نیز سخن به میان می‌آید (کریمی، ۱۳۹۳/۱۱/۱).

رئیس‌جمهور روحانی، نیز در آستانه عزیمت به روسیه ضمن اشاره به این مطلب که ایران خود را برای دوران پسامذاکره و پساتحریم آماده می‌کند، ضمن اشاره به جایگاه سیاسی و امنیتی سازمان همکاری شانگهای^۱ و جایگاه اقتصادی گروه بریکس^۲ اظهار داشت شرکت در چنین

1. Shanghai Cooperation Organization

2. Brazil, Russia, India, China and South Africa (BRICS)

اجلاسی، فرصت مناسبی است که دیدگاه‌های کشورهای کشورمان را در خصوص مسائل مهم منطقه‌ای و جهانی تشریح و اهداف سیاسی و اقتصادی کشورمان را پیگیری کنیم و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اعضای هر دو اجلاس همکاری‌های گسترده‌ای ایجاد نماید. این در شرایطی که جهان از لحاظ اقتصادی از تک‌قطبی بودن و از لحاظ سیاسی از یکجانبه‌گرایی فاصله گرفته است اهمیت مضاعفی دارد. روحانی در خصوص تبدیل کشورمان به یکی از اعضای دائم سازمان همکاری شانگهای نیز اظهارداشت: در سازمان همکاری شانگهای عضو ناظر هستیم و تبدیل شدن به عضو دائم به یک پروسه زمانی نیاز دارد و بی‌تردید کشورمان در آینده می‌تواند به جمع اعضای دائم این سازمان پیوندد (روحانی، ۱۳۹۴/۶/۱۹).

ملاقات سران ایران و روسیه: چشم‌اندازی بر راهبردی شدن مناسبات

این ملاقات که با دیدار پوتین با رهبر انقلاب اسلامی ایران در آذرماه ۱۳۹۴ در تهران صورت گرفت و نزدیک به دو ساعت به درازا کشید، در آن مطالبی بسیار مهم و استراتژیک، هم درباره روابط دوجانبه و هم در زمینه مسائل منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. بنابراین، این دیدار یک ملاقات تشریفاتی و صرفاً برای احترام به مقام معظم رهبری نبود، بلکه ملاقاتی جدی در سطح بالاترین مقامات دو کشور محسوب می‌شد. ضمن این که مدت اقامت پوتین در ایران بسیار کوتاه بود. بنابراین مدت‌زمان حضور در ایران را باید صرف گفت‌وگوهای کاری می‌کردند. حال در این بین، رئیس‌جمهور روسیه، بهترین زمان کاری خود؛ یعنی ساعات ابتدایی حضور در ایران را به ملاقات با رهبر انقلاب اختصاص دادند. این نشان از اهمیت این دیدار برای آقای پوتین دارد. دیداری کاملاً صمیمی، صریح و درعین حال راهبردی. از این زاویه شاید بتوان گفت در تاریخ جمهوری اسلامی ایران در طول این ۳۷ سالی که از انقلاب می‌گذرد، ملاقاتی با این کیفیت، اهمیت و با این محتوا، انجام نگرفته بود (Putin, 6/2/2016).

در این دیدار، هم راجع به روابط دوجانبه و هم راجع به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی صحبت شد. در حوزه روابط دوجانبه، پوتین به‌صراحت اعلام کرد که هیچ محدودیتی برای روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران قائل نیست و در انواع همکاری‌های دوجانبه در حوزه‌های علمی، تکنولوژی و فناوری‌های فضایی و امور پیشرفته صنعتی، تمایل به همکاری با ایران دارد و هیچ‌گونه محدودیتی در این زمینه نمی‌بیند. در رابطه با همکاری‌های منطقه‌ای نیز به تصریح پوتین، منافع مشترک زیادی بین دو کشور وجود دارد و این منافع مشترک متعددی که دو کشور دارند، اقتضا می‌کند که هر روز بیش از گذشته، همکاری‌ها گسترش یابند. درباره مسأله سوریه نیز پوتین تأکید داشتند که هیچ نوع موافقتی با دیگر کشورهایی که در گفت‌وگوهای وین شرکت می‌کنند، بدون

هماهنگی با ایران، صورت نمی‌گیرد. نکته بعدی که در این دیدار، هم مقام معظم رهبری و هم آقای پوتین بر آن تأکید داشتند، این بود که از هیچ راه‌حلی که مورد رضایت دولت سوریه نباشد، تبعیت نخواهند کرد (Katzman, 2016: 26-27).

از دیدار پوتین با رهبر انقلاب اسلامی که در حقیقت نقطه عطف در ابتدای راه روابط دو کشور است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که روابط دو کشور به تدریج وارد رابطه‌ای راهبردی شده است. ارتباطی که در یک سوی آن، ایران به‌عنوان قدرت اول منطقه قرار دارد و در سوی دیگر آن، روسیه به‌عنوان یک ابرقدرت نظامی و قدرت مهم تأثیرگذار بین‌المللی که عضویت در شورای امنیت هم دارد، قرار گرفته است. در همین ارتباط باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران و روسیه منافع مشترک متعددی با هم دارند. آینده جمهوری اسلامی ایران و روسیه در ابعاد مختلف به یکدیگر گره خورده است. آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای غربی، منطقه سوریه، فلسطین، عراق، یمن، شمال آفریقا، دریای خزر، دریای سیاه، مدیترانه، خلیج فارس، اقیانوس هند، مناطق و موضوعاتی هستند که هم جمهوری اسلامی ایران و هم روسیه، منافع حیاتی در آن‌ها دارند. این درحالی است که در آسیا چهار قدرت بزرگ داریم: روسیه، چین، ایران و هند. چنین پیش‌بینی می‌شود که در آینده‌ای نه‌چندان دور، این چهار کشور روابط راهبردی بیشتری با یکدیگر خواهند داشت؛ به‌خصوص در جاهایی مثل پیمان شانگهای یا گروه بریکس، این همکاری‌ها می‌تواند تجلی عینی و بیشتری پیدا کند (ولایتی، ۱۳۹۴/۹/۳).

بسترهای هم‌گرایی ایران و روسیه

روابط ایران و روسیه طی دودهمه گذشته ازسوی تحلیل‌گران سیاسی با عناوینی چون «همکاری‌های مهم^۱» یا «همکاری‌های استراتژیک^۲» از آن یاد شده است. نگاه ایران به روسیه در دو دهه اخیر، یک «نگرش استراتژیک» بوده است. بنابراین رویکرد سیاست خارجی ایران، اگرچه به طور کامل «شرقی» نیست، اما شرق و بویژه روسیه، جایگاه مهمی در آن دارد (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). در رابطه با امکان هم‌گرایی در روابط ایران و روسیه، سه دیدگاه وجود دارد: ۱. دیدگاه خوش بینانه، در این رویکرد بر جنبه‌های مثبت روابط ایران و روسیه نظر افکنده می‌شود و دو کشور، «متحد راهبردی» یکدیگر به حساب می‌آیند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۲). ۲. دیدگاه بدبینانه، این رویکرد سیاست‌های روسیه را ادامه سیاست‌های تزارها می‌داند. برخی از طرفداران این رویکرد به بررسی تاریخ روابط خارجی ایران می‌پردازند و اشعار می‌دارند که طی دو قرن

1. Important Cooperation

2. Strategic Cooperation

گذشته، سرزمین ایران همواره در معرض تهدید همسایه شمالی بوده و ترس از تجاوز در کلیه برنامه‌ریزی‌های کشور دخالت داشته است. ۳. دیدگاه منفعت‌طلبانه، این رویکرد روابط با روسیه را منفعت‌طلبانه می‌پندارد و منافع ملی را تنها معیار و واحد سنجش ایجاد چنین مناسباتی برمی‌شمارد. طبق این رویکرد، روسیه متحد استراتژیک ایران نیست؛ بلکه «متحدی تاکتیکی» است. مسکو همان‌طور که بهره‌های زیادی از انزوای ایران در جهت تقویت موقعیتش در منطقه برده است، به همان شکل هم با حمایت‌های خود از شدت فشارها بر ایران کاسته است (بخشایش اردستانی و محمدی نیگجه، ۱۳۸۸: ۲۴۸-۲۴۵). با توجه به دیدگاه‌های یاد شده در ادامه به بسترهای هم‌گرایی ایران و روسیه پرداخته می‌شود.

همکاری‌های سیاسی

در سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۰ مناسبات ایران و روسیه تحت تأثیر تضادهای ایران و آمریکا قرار داشت. خصومت شدید آمریکا با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سبب شده بود تا در این دوران روابط دو کشور از توسعه قابل ملاحظه‌ای برخوردار نباشد؛ چراکه محور سیاست خارجی روسیه به اروپا مربوط می‌شد و آسیا در این زمینه دارای اهمیت اساسی نبود. خاورمیانه و ایران نیز برای دستگاه دیپلماسی روسیه از اهمیت جدی برخوردار نبود. به تدریج با غلبه گفتمان اوراسیگرایی در روسیه زمینه برای همکاری بین دو کشور فراهم شد. در طول سال ۱۳۷۵ با دیدارهای گوناگون میان مقامات دو کشور در سطوح مختلف روند توسعه روابط دو کشور ادامه یافت. به‌رغم تلاش‌های آمریکا برای اثرگذاری بر این روند، مقامات روسی با توجه به مزایای ناشی از این روابط و تلاش برای بهره‌گیری از آن در چانه‌زنی با آمریکا بر ادامه آن مصر بودند. در دیدار پریماکوف وزیر امور خارجه روسیه از ایران، وی در دیدار با آقای هاشمی رفسنجانی ریاست جمهوری بر تحکیم روابط دو کشور همسایه تأکید ورزید. با انتخاب آقای خاتمی به سمت ریاست جمهوری ایران نیز مقامات روسیه همچنان بر ادامه همکاری با دولت ایران اشارات مکرر داشتند (کولایی، ۱۳۷۸: ۳۰۵-۲۹۸).

از سال ۲۰۰۰ که زمینه برای به قدرت رسیدن پوتین در روسیه پدید آمد. وی کوشید روابط ایران و روسیه را براساس نیازهای امنیتی دو کشور سامان‌دهی کند. پوتین بر این امر واقف بود که اگر در روابط ایران و آمریکا، جلوه‌هایی از تعامل و موازنه به‌وجود آورد، در آن شرایط می‌تواند به منافع مؤثرتری در ایران و منطقه دست یابد. بنابراین هرگونه فعالیت روسیه در حوزه امنیتی می‌توانست آثار و پیامدهایی در روابط با ایران نیز ایجاد نماید؛ چراکه سطح روابط ایران و روسیه از سال ۲۰۰۰ به بعد تحت تأثیر استراتژی جنگ پیشدستانه و همچنین دکترین مبارزه با

ترورسیم امریکا قرار گرفته و محدودیت‌های بیشتری در مورد ایران ایجاد شده بود (زمانه، ۱۳۸۷: ۷۲).

پس از به قدرت رسیدن می‌ودوف به خصوص از سال ۱۳۸۸ شاهد تغییر موضع روسیه در روابط با ایران بودیم. در این میان عدم پای‌بندی روسیه به قراردادهای و معاهدات خود در مقابل ایران همچون فروش پدافند ضد هوایی اس-۳۰۰ و راه‌اندازی نیروگاه بوشهر در موعد مقرر، اعلام حمایت روس‌ها از چهارمین دور تحریم‌های سازمان ملل و اعلام تحریم‌های نظامی در قبال ایران سبب سردی در روابط دو کشور گردید (بالازاده و غیبی، ۱۳۹۰: ۶۰). با شروع دور سوم ریاست جمهوری آقای پوتین در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱، وی توجه ویژه‌ای به همکاری‌های بین ایران و روسیه نشان داد. در این مرحله پوتین احساس می‌کرد که روسیه برای نقش‌آفرینی بیشتر در سطح خاورمیانه و همچنین در سطح بین‌المللی به یارگیری‌های سیاسی جدیدی با کشورهایی همانند ایران نیازمند است. مسئله بحران اوکراین در آذرماه ۱۳۹۲ که حاصل آن ضمیمه کردن شبه جزیره کریمه به خاک روسیه و اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه بود بر رفتار این کشور برای گسترش مناسبات سیاسی با ایران اثر گذاشت. متقابلاً ایران نیز برای رهایی از کمند تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده و نیز تأمین بخشی از نیازهای دفاعی خود علاقمند به گسترش مناسبات با روسیه گردید (بهشتی‌پور، ۱۳۹۳/۱۱/۶).

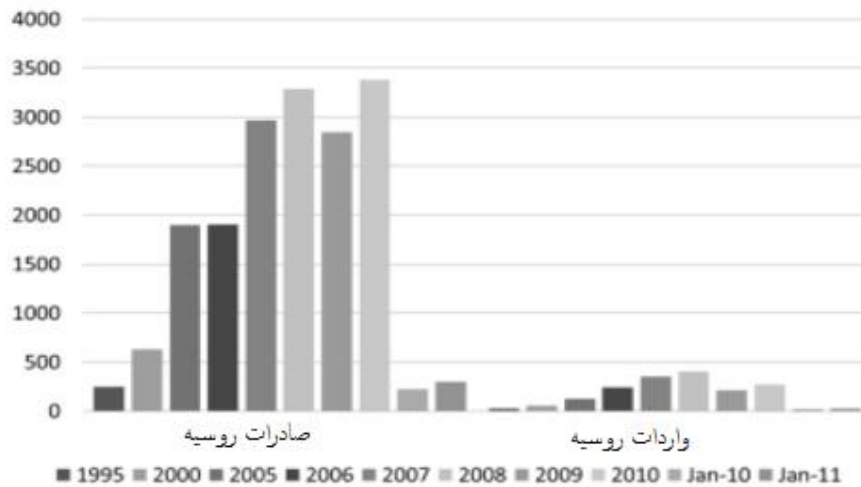
همکاری‌های اقتصادی

تجاری-بازرگانی

ایران یکی از شرکای مهم تجاری فدراسیون روسیه در خاورمیانه است و هنوز روسیه به ایران به‌عنوان یک منطقه مهم و دارای اهمیت استراتژیک می‌نگرد. در نگاه روسیه، ایران به عنوان شریکی با ظرفیت بالای اقتصادی از توجه شایانی برخوردار است. در مقایسه با بیشتر کشورهای دارای منافع مشترک، سطح روابط اقتصادی روسیه با ایران بر مبنای میزان درآمد سرانه خالص ملی بالاتر است. طبق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۰۴ حجم درآمد سرانه خالص ملی به نرخ تبدیلی این بانک در فدراسیون روسیه ۳۴۱۰ دلار و در ایران ۲۳۰۰ دلار تخمین زده شد. همین شاخص در رابطه با قدرت خرید در روسیه ۹۶۲۰ و در ایران ۷۵۵۰ دلار بوده است (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

شرکت‌های ایرانی به روسیه محصولات باغی، مواد معدنی و برخی از انواع ساختمانی صادر می‌نمایند. گروه صنعتی ایران خودرو، بزرگترین خودروساز ایران، سمند را با توجه به شرایط آب و هوایی روسیه تنظیم می‌کند و این شرکت در سال ۲۰۰۶، ۳۰۰۰ اتومبیل را به روسیه

صادر کرد و ایران خودرو صادرات خود را به ۲۰ هزار دستگاه در سال‌های آینده افزایش داد (Sanaie, 2007: 175). صادرات اساسی روسیه نیز به ایران شامل فرآورده‌های ذوب آهن و قطعات دیگر است. در سال ۱۹۹۹، بهای این بخش صادرات روسی معادل ۱۴۷ میلیون دلار بود. در مقام دوم، تجهیزات برای انرژی اتمی (۴۷ میلیون دلار)، در جای سوم وسایل شناور، از جمله اسکله‌ها و سکوها شناور (۴۰ میلیون دلار) و در مقام چهارم کاغذ (۳۶ میلیون دلار) قرار دارند. روابط اقتصادی دو کشور از سال ۲۰۰۰ و پس از روی کار آمدن پوتین، سفر خاتمی به مسکو و قرارداد همکاری‌های ده ساله دو کشور بیش از پیش گسترش یافت، تا آنجا که در سال ۲۰۰۵ روسیه به هفتمین شریک تجاری ایران تبدیل شد و ۵/۳۳ درصد از کل کالاهای صادراتی به ایران را تأمین کرد (کریمی، ۱۳۸۸: ۱۴۲). برخلاف صادرات روسیه به بازارهای اروپا که بیشتر مبتنی بر مواد اولیه است، این کشور عمدتاً محصولات صنعتی و خدمات علمی و فنی خود را به ایران عرضه می‌نماید. صادرات روسیه به ایران از حدود ۲۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به حدود ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش پیدا کرده است. اگر در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ سطح مبادله کالا بین ایران و روسیه ۲/۱ میلیارد دلار برآورد می‌شد، در سال ۲۰۰۸ این شاخص به ۳/۲ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد که بیشتر آن صادرات روسیه بوده است (نمودار ۱- جدول ۱) (مامدوآ، ۱۳۸۸: ۲). این در حالی است که در سال ۱۳۹۳ هیئت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور ملاقات بسیاری با هم داشته و روابط دو کشور در طول ۱۳۹۴ تحول جدی یافته و رؤسای جمهوری دو کشور چهار بار ملاقات حضوری با یکدیگر داشته‌اند.



نمودار ۱- روابط تجاری ایران و روسیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ (واحدها برحسب میلیون دلار امریکا) (Proveaux, 2014: 3).

جدول ۱- مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه از سال ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۱۳، ارزش: میلیون دلار

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳ (۳ماهه)
صادرات	۱۶۲	۲۶۳	۳۵۷	۳۸۲	۳۰۰	۳۱۷	۳۷۵	۴۲۵	۱۵۶
واردات	۱۰۵۳	۶۹۶	۸۰۰	۱۱۹۵	۹۷۲	۴۹۵	۵۸۳	۱۶۰۴	۲۴۵
تراز تجاری	-۸۹۱	-۴۳۳	-۴۴۳	-۸۱۳	-۶۷۲	-۱۷۸	-۲۰۸	-۱۱۷۹	-۸۹
حجم مبادلات	۱۲۱۵	۹۵۹	۱۱۵۷	۱۵۷۷	۱۲۷۲	۸۱۲	۹۵۸	۲۰۲۹	۴۰۱

منبع: (دفتر بازرگانی کشورهای اروپا و آمریکا، ۱۳۹۲)

هرچند که حجم کل تجارت روسیه با ایران در مقایسه با دیگر شرکای تجاری زیاد نیست و سهم ایران تنها بخش کمی از وارداتش است، اما روسیه یکی از معدود کشورهایی است که مایل به فروش سلاح و فن‌آوری هسته‌ای به ایران است (Proveaux, 2014: 3). بعد از بحران اوکراین و به موازات تحریم روسیه از سوی غرب، روسیه به دنبال بازارهای جدیدی برای تجارت و مبادله کالا است. ایران هم از این امر استقبال نموده و منتظر فراهم شدن بستری است تا بانکی مشترک بین دو کشور تأسیس گردد و مبادله با ارزهای رایج دو کشور صورت پذیرد (بهشتی پور، ۲۰/۶/۱۳۹۳).

حمل و نقل کالا

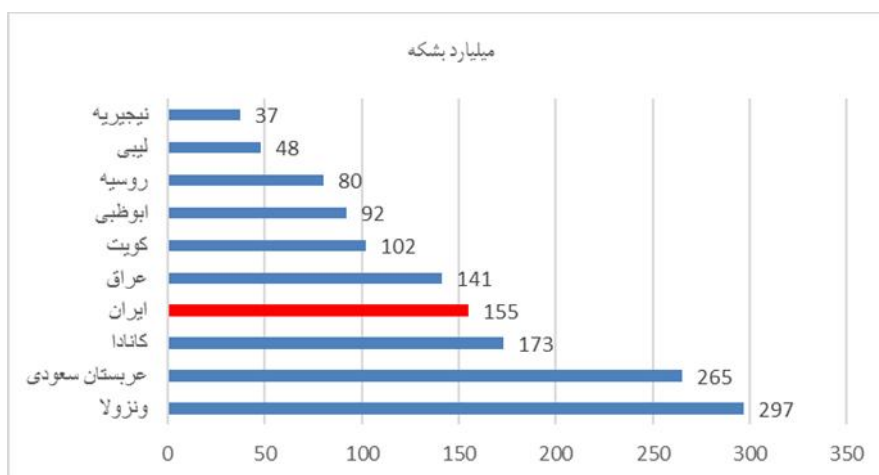
در زمینه حمل و نقل، یکی از پروژه‌هایی که در دستور کار روسیه و ایران قرار دارد، دالان حمل و نقل شمال- جنوب است. انتظار می‌رود که این مسیر، حمل و نقل کالا را از اروپا از طریق خاک روسیه و ایران به آسیای جنوبی و جنوب شرقی تأمین کند. توسعه راه‌گذر حمل و نقل با مشارکت ایران اجازه خواهد داد سالی ۱۰ میلیون تن کالای ترانزیتی، ۴ برابر بیشتر از سطوح کنونی از طریق خاک این کشور عبور کند. توافق بر سر راه‌گذر حمل و نقل شمال- جنوب در حال حاضر توسط کشورهای بلاروس، هند، ایران، قزاقستان، عمان، روسیه، تاجیکستان امضا شده است، علاوه بر این بیش از ده کشور اروپایی و آسیایی برای پیوستن به آن اعلام آمادگی کرده‌اند (Sanaie, 2007: 175-176). طرح موافقتنامه راه‌گذر شمال و جنوب می‌تواند به تجارت و رشد اقتصادی منطقه کمک شایانی کند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

توسعه دالان شمال- جنوب ناظر به ایجاد خط کشتی‌رانی در دریای خزر و توسعه بنادر دو

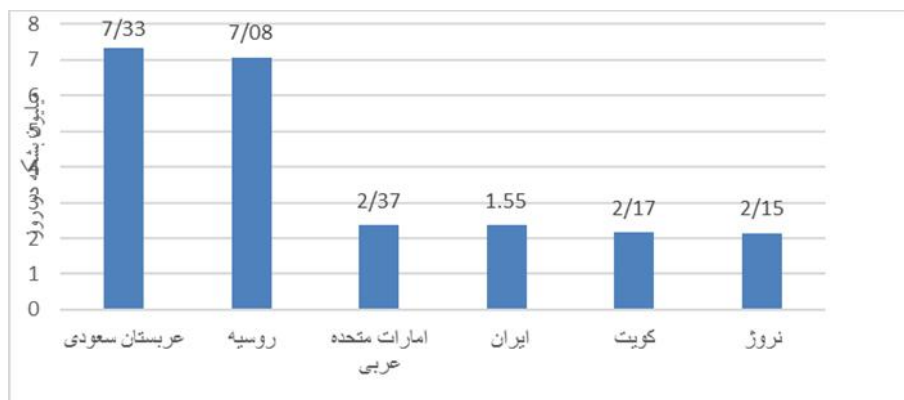
کشور، ساخت بزرگراه دور دریای خزر و توسعه خطوط راه آهن کشورهای عضو است. برای روسیه مناسب‌تر است که تبادل کالا با هند را از طریق ایران انجام دهد تا از طریق مسیر طولانی دریایی به دور افریقا یا از طریق کانال سوئز تا سن پترزبورگ. به طور کلی خطوط انتقال کالاها از کشورهای آسیایی به روسیه از طریق ایران از نظر مسافت ۳ تا ۴ برابر کوتاه‌تر از مسیرهای موجود است. در حال حاضر به دلیل اینکه تناسب صادرات روسی به ایران ۲۰ به ۱ است کشتی‌های حامل کالاها روسی به ایران، خالی بر می‌گردند، در حالی که می‌توانند کالاهایی را که از هند و آسیای جنوب شرقی ترانزیت می‌شوند به روسیه حمل کنند. در صورت انتقال کالا از این کریدور، مدت حمل بار از آسیای جنوب شرقی به اروپای غربی حداقل به میزان ۳ تا ۴ روز و هزینه‌ها به میزان ۲۰ تا ۱۵٪ کاهش خواهد یافت (اصولی و رسولی، ۱۳۹۲: ۷۷). برای رونق بخشیدن به تجارت کالا و همچنین راه‌گذر شمال- جنوب اقداماتی صورت گرفته که بدین شرح است: ۱. تکمیل و تجهیز بنادر در ایران و روسیه. ۲. راه‌اندازی خطوط کشتیرانی برای حمل کامیون در دریای خزر. ۳. تقویت ناوگان حمل و نقل از طریق افزایش تعداد کشتی‌های بزرگ و کوچک در دریای خزر. ۴. زیرسازی و آماده‌کردن جاده‌ها و راه‌آهن برای تسهیل صدور کالا. ۵. انجام اقدامات کنسولی برای تسهیل صدور روادید برای کامیون داران و حمایت از حقوق آنان. ۶. حمل و نقل نفت و گاز از دریای خزر (صفری، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

نفت و گاز

روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی دربرگیرنده رقابت، هم‌پوشانی و اشتراک است؛ عرصه‌ای که با ملاحظات خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک، طرفین می‌توانند از آن به نفع خود سود برند. هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت جهان بوده، اما دارای اهداف و موقعیت‌های واگرا هستند (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۳۰). روسیه به منابع انرژی و همکاری در صنایع نفتی ایران بسیار علاقه‌مند است؛ چراکه ایران چهارمین ذخایر اثبات شده نفت جهان (۱۱ درصد) را در اختیار دارد و در سایه رفع تحریم‌ها می‌تواند در شمار چهار تولیدکننده بزرگ جهان قرار گیرد (نمودار ۳ و ۲). درهمین ارتباط گازپروم، مذاکراتی را با تهران در سال ۲۰۰۸ درباره استخراج از حوزه آزادگان (۴۲ میلیارد بشکه نفت) شروع کرد. در سال ۲۰۰۹ وزیر انرژی روسیه سرگئی شاماتکو^۱ بر اجرای پروژه‌های بزرگ‌تر نفت و گاز تأکید کرد. دو طرف بر سر اجرای ۱۵ طرح جدید نفتی و گازی در ایران و تأسیس شرکت مشترک نفت ایران و روسیه به توافق رسیده‌اند (Voronoua-Abrams, 2010: 5).



نمودار ۲- میزان ذخایر اثبات شده نفت ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان (سال ۲۰۱۵)
Oil & Gas Journal, Jan.1.2015.

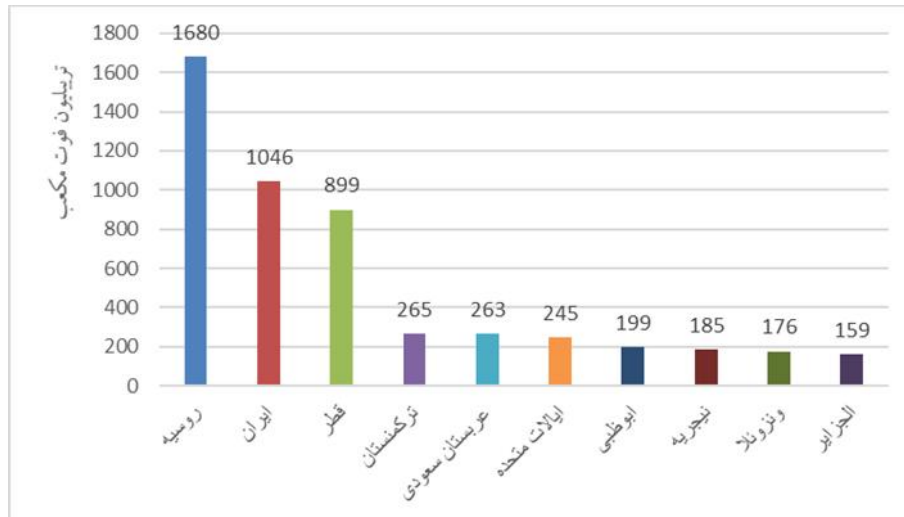


نمودار ۳- مقایسه میزان صادرات نفت ایران و روسیه در مقایسه با دیگر تولیدکنندگان بزرگ نفتی
EIA, (2016).

روسیه و ایران صاحب بیشترین ذخایر گاز طبیعی ثابت شده جهان نیز هستند (نمودار ۴). آن‌ها در پی استفاده از این ذخایر به سود مشترک، توسعه یک راهبرد مشترک برای مشارکت در بازار انرژی جهان هستند. دو کشور در سال ۲۰۰۱ مجمع کشورهای صادرکننده گاز^۱ متشکل از ۱۳ کشور تولیدکننده بزرگ گاز با هدف ارتقای منافع متقابل را تأسیس کردند. این کشورها حدود ۶۷ درصد ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند. در سال ۲۰۰۸ در راستای کنترل قیمت گاز ساختاری مشابه اوپک را با همراهی قطر به شکل تروئیکای گازی تشکیل دادند. روسیه و ایران همچنین در

1. Gas Exporting Countries Forum (GESF)

سال ۲۰۰۹ به توافق سوآپ گاز با هدف تأمین گاز شمال ایران و مبادله گاز تهران با متحدان مسکو در جنوب ایران دست یافتند (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱).



نمودار ۴- مقایسه ذخایر گاز ایران و روسیه با دیگر کشورهای جهان
(Oil & Gas Journal, Jan.1.2016)

ایران در سال‌های اخیر افزایش شدیدی را در زمینه تولید گاز و عرضه آن به بازارها تجربه کرده است به گونه‌ای که تخمین زده می‌شود در سال ۲۰۲۰ این افزایش به حدود ۷۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. اکنون هم روسیه و هم ایران مایل به احیای پیوندهای فنی در زمینه گاز هستند. در صورت فعال بودن دیپلماسی انرژی، ایران می‌تواند به‌عنوان عضو مؤسس اوپک، با طرح خواسته‌های خود، از روسیه در زمینه گسترش همکاری‌ها بهره‌برد. روسیه نیز می‌تواند از طریق ایران بر اوپک اثر گذاشته و به اهداف خود، یعنی استفاده از اهرم انرژی جهت تحقق اهداف سیاست خارجی مسکو در مقابل غرب دست یابد (جعفری و تقی نژاد، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۳). در دوران پساتحریم و به دنبال توافق جدید هسته‌ای ایران در ژنو، احتمال می‌رود فرصت‌های جدیدی برای گسترش همکاری‌های راهبردی دو کشور در عرصه انتقال انرژی ایجاد شود. در همین ارتباط رئیس شرکت گازپروم-الکساندر دیوکوف - در گفت‌وگو با خبرنگاران با بیان این که مشارکت ایران برای تمام شرکت‌ها جالب است اظهار داشت: «شرکت گازپروم برای همکاری با ایران تمایل و علاقمندی دارد، زیرا در این منطقه حضور داریم و در طرح‌های عراق مشارکت می‌کنیم. وی افزود: برای گازپروم، جذابیت کار در ایران به شرایط کار در این کشور بستگی دارد؛ به این دلیل طرف ایرانی باید شرایط کاری را تعیین و فرمول‌بندی کند» (دیوکوف، ۱۳۹۴/۳/۳۱).

انرژی هسته‌ای

ایران برنامه هسته‌ای خود را در سال ۱۹۶۹ با حمایت امریکا از طریق برنامه اتم برای صلح پرزیدنت آیزنهاور^۱ راه‌اندازی کرد و به زودی پیمان منع گسترش سلاح^۲ را در سال ۱۹۷۰ امضاء کرد. شرکت‌های زیمنس^۳ و تلفون‌کن^۴ آلمان برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در بوشهر با ایران قرارداد بستند اما با وقوع انقلاب اسلامی و بدهی‌های پرداخت نشده ایران، پروژه را رها کردند. در سال ۱۹۹۲ بخش اقتصاد و انرژی روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به درآمد نیاز داشت، بنابراین روس‌ها برای کامل کردن پروژه‌ای که توسط شرکت زیمنس و تلفون‌کن رها شده بود با ایران به توافق رسیدند که نیروگاه بوشهر را بازسازی نمایند (Proveaux, 2014: 5). همچنین قرار شد این کشور ۵ نیروگاه هسته‌ای دیگر نیز به ارزش ۵ میلیارد دلار برای ایران بسازد (khajehpour, 2012:17).

در ۸ ژانویه ۱۹۹۵، مسکو و تهران، قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری ساخت اولین واحد انرژی در بوشهر را امضا کردند و این رویداد شروع همکاری عملی بین دو کشور را در انرژی هسته‌ای نشان می‌داد (Sanaie, 2007: 178). قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر از سال ۱۹۹۵ و اجرای آن یکی از زمینه‌های مهم و به تعبیری، نماد اصلی همکاری دو کشور در سال‌های اخیر بوده است. البته اهمیت این پروژه فقط در سطوح اقتصادی خلاصه نشده و دارای ابعاد ژئوپلیتیکی نیز هست. برای اجرای قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر حدود ۳۰۰ شرکت روسی مشغول به فعالیت هستند و این قرارداد باعث شده که حدود ۲۰ هزار اشتغال ایجاد شود (مامدوا، ۱۳۸۵: ۱۲۷-۱۲۶). پوتین موافقت نامه گور-چرنومردین را به مدت کوتاهی بعد از رسیدن به ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ لغو کرد و در سال ۲۰۰۱ قرارداد تعهد روسیه برای تکمیل نیروگاه بوشهر با رئیس جمهور ایران آقای خاتمی را تجدید نمود (Proveaux, 2014: 5). در اکتبر ۲۰۰۶، لاوروف وزیر امور خارجه روسیه نیز اعلام کرد روسیه مخالف استفاده از رأی شورای امنیت برای تنبیه ایران است و از سیاست تغییر رژیم در ایران حمایت نمی‌کند (Shokri, 2013: 21). رهبران روسیه، یک ایران هسته‌ای را برای گسترش منافع منطقه‌ای خود نسبت به ایرانی که به ایالات متحده نزدیک شود قابل ترجیح می‌دانند. آن‌ها به ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای در حال ظهور توجه دارند و مخالف پیوستن به تلاش‌های دیپلماتیکی هستند که نفوذ روسیه را بایک متحد مهم بالقوه تضعیف نمایند. به همین دلیل به حق ایران در بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای صحنه گذاشته و

1. President Eisenhower's Atoms for Peace
2. Nonproliferation Treaty
3. Siemens
4. Telefunken

تحریم‌ها را معتبر نمی‌دانند (Heydemann, 2010: 35).

همکاری‌های نظامی - امنیتی

در نظام خودیاری بعد از جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت و حفظ موجودیت خود در مقابل تهدیدات امنیتی جدید به خصوص غرب و آمریکا به دنبال موازنه درونی و تقویت ساختارهای نظامی خود برآمد؛ از این رو به همکاری با روسیه متمایل شد (Milani, 2007: 328-332). بویژه تسلیحات نظامی روسیه تنها حوزه‌ای است که قابلیت رقابت با آمریکا را دارد. انتقال فناوری و تجهیزات دفاعی از جمله مصادیق مهم همکاری دو جانبه ایران و روسیه محسوب می‌شود. آنچه پیرامون این بُعد از روابط تهران-مسکو قابل توجه است این مطلب است که پیروزی انقلاب اسلامی، خروج آمریکا از ایران و لغو سریع پیمان سنتو شرایط بسیار مناسبی برای گسترش ارتباط در زمینه نظامی بین ایران و اتحاد شوروی ایجاد کرد. تداوم این وضعیت به چندین عامل بستگی داشت: وجود تهدیدهای جدید علیه امنیت ملی ایران، تلاش دولت ایران برای تعدد منابع خارجی خرید سلاح و اعلام آمادگی اتحاد شوروی جهت پُر کردن خلأ در بازار اسلحه ایران (باقری دولت آبادی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰).

در این راستا، لغو قرارداد گور-چرنومردین، راه را برای دیدار/یگور سرگیف وزیر دفاع روسیه از تهران در دسامبر ۲۰۰۰ برای احیای فروش تسلیحاتی به ایران هموار ساخت. این سفر از آن رو اهمیت داشت که از زمان انقلاب اسلامی، اولین بار بود که یک وزیر دفاع روسی از ایران دیدار می‌کرد. در مجموع، سرگیف و هم‌تای ایرانی وی بر سر فروش‌های تسلیحاتی برای دوره‌ای ۱۰ ساله به ارزش بیش از یک میلیارد دلار به توافق رسیدند. همچنین دو طرف در مورد آموزش نیروها و مهندسان ایرانی در دانشکده‌های نظامی روسی مذاکره کردند. به علاوه، نمایندگان ایران و روس توافق کردند که دولت‌هایشان در مورد دکترین‌های نظامی^۱ و همچنین چالش‌ها و تهدیدات مشترک^۲ به یکدیگر مشاوره بدهند. در سال ۲۰۰۵ اعلام شد که ایران مجموعه‌های موشکی ضد هوای پیما با شعاع زیاد با نام‌های اس ۳۰۰ و نیز پدافندهای ضد هوای پیما با شعاع محدود را از روسیه خریداری کرده است. ایران همچنین تمایل خود را برای خرید هر دو مجموعه موشکی باک-۱ و موشک بالستیک کوتاه بُرد تاکتیکی اسکندر ای^۳ اعلام کرده است. به علاوه، نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به خرید سیستم‌های زمین به هوای موشکی و

1. Military Doctrines

2. Common Challenges and Threats

3. Iskander-E

توپخانه‌ای تونگوسکا-ام^۱ و پنتسیر^۲ که مجتمع صنعتی - نظامی روسیه تولید کرده است، علاقه نشان داده‌اند. نکته دیگر در خصوص همکاری‌های دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، کمک احتمالی مسکو در توسعه برنامه موشکی ایران است. در مقابل، ایالات متحده آمریکا نیز در مقاطع مختلف اقدام به تحریم چندین شرکت روسی به‌خاطر همکاری در برنامه موشکی ایران کرده است (امیری، ۱۳۸۷: ۲۶۰-۲۵۸). در این راستا ایران انواع تانک، خودرو زرهی، موشک و تجهیزات نظامی را از روسیه خریداری نموده است تا آنجا که پس از هند و چین سومین خریدار بزرگ تسلیحات روسی است (Voronoua-abrams, 2010: 3).

همکاری‌های منطقه‌ای

سیاستمداران روسی از پایان قرن نوزدهم به بعد آسیای مرکزی را پاشنه آشیل خود دانسته‌اند؛ اکنون نیز از دگرگونی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی نگرانند و به دنبال رفع تهدیدهای امنیتی از آن هستند. در رویکرد سیاست خارجی اوراسیاگرایان روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز برای منافع روسیه حیاتی است. سیاست‌های روسیه در آسیای مرکزی از اواخر دوران ریاست جمهوری بوریس یتسین براساس دیدگاه اوراسیاگرایی تداوم پیدا یافته است. در ادامه این روند، پوتین نیز سیاست خارجی و امنیتی روسیه را در مقابل آسیای مرکزی با اقتدار بیشتر و به صورت شفاف‌تری دنبال می‌نماید. روسیه همواره در جهت کسب برتری منطقه‌ای در اوراسیا تلاش می‌کند (عطایی و شیبانی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). همین مسئله به یک عامل تعیین‌کننده برای توسعه روابط روسیه با ایران منجر شده است. هر دو کشور ایران و روسیه منافع متقابل‌شان را در تأمین امنیت و ثبات در منطقه استراتژیکی آسیای مرکزی و قفقاز دنبال می‌کنند؛ چراکه دارای منافع منطبق با هم برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای، قومی و جلوگیری از تهدیدات امنیتی در آینده منطقه هستند (Shokri, 2013: 24).

هرچند که بعد از فروپاشی شوروی، مقامات مسکو نگران صدور انقلاب اسلامی ایران به آسیای مرکزی بود، اما نه تنها شاهد همکاری‌های ایران با روسیه در حل و فصل مسائل این منطقه بودند، بلکه ایران در سال ۲۰۰۵ نیز از پذیرش عضویت ناظر روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی حمایت کرد (Termin and Malashenkov, 2010: 20). با توجه به راهبرد عمل‌گرایی که جمهوری اسلامی ایران در برخورد با مسائل منطقه در پیش گرفته است، بنابراین زمینه برای همکاری راهبردی دو کشور در آسیای مرکزی به وجود آمده است. یکی از حوزه‌هایی که این دو کشور با

1. Tunguska-M

2. Pantsyr

یکدیگر همکاری جدی نمودند، بحران در تاجیکستان بود (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۵۸). افغانستان را می‌توان حوزه‌ای دیگر برای آزمون روابط دو کشور دانست (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶)؛ چراکه قدرت‌یابی گروه افراط‌گرای طالبان در افغانستان که هم روسیه و هم ایران آن را تهدیدی جدی تلقی می‌نمایند از عوامل مؤثر بر توسعه همکاری‌های دفاعی- راهبردی دو کشور است (امیری، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

بررسی‌های تجربی در خصوص منافع مشترک و موازی ایران و روسیه در آسیای مرکزی نشان می‌دهد که موضوعاتی مانند استقرار صلح، ثبات سیاسی، افراط‌گرایی مذهبی، کنترل بحران‌ها و درگیری‌های قومی در جمهوری‌های آسیای مرکزی؛ ممانعت از نفوذ سیاسی، اقتصادی و امنیتی دیگر قدرت‌های خارجی (koolae, 2008: 1-12). جلوگیری از تردد غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه؛ توسعه آن بخش از همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی و تأمین نیازهای مصرفی آن‌ها که روسیه پاسخگوی آن نیست و باعث دگرگونی در زیر ساخت‌های اقتصادی این جمهوری‌ها نیز نمی‌شود و نیز آن بخش از فعالیت‌های فرهنگی ایران که تنافری با فرهنگ سنتی روسی این منطقه نداشته باشد در حوزه منافع موازی و مشترک ایران و روسیه در آسیای مرکزی قرار می‌گیرند (داداندیش، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲). بنابراین روسیه به منظور ایجاد نوعی توازن منطقه‌ای با قراردادن ایران در کنار خود در مقابل نفوذ ایالات متحده و متحدانش در آسیای مرکزی، خزر، قفقاز و نیز استفاده از توان و نفوذ این کشور در جهت حل و فصل منازعات منطقه‌ای، ایران را یک متحد ارزشمند در واکنش به چالش‌های امنیتی منطقه‌ای و یک شریک در مخاطرات سیاسی و استراتژیک می‌بیند (مجتهدزاده و رشیدی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۴).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید پساتحریم، همچنان چیرگی نظام سلطه به رهبری امریکا را یک تهدید علیه امنیت و منافع خود می‌بیند؛ از این رو به دنبال راهبردهای جدیدی در سیاست خارجی برای حفظ بقای خود در عرصه بین‌المللی است و در شرایط خودیاری جدید، مساعی خود را در عرصه داخلی بر افزایش توانایی‌های اقتصادی و نظامی قرار داده و در عرصه خارجی نیز به دنبال تقویت ائتلاف راهبردی با قدرت‌های رقیب امریکا با هدف تضعیف اتحادها و ائتلاف‌ها علیه خود است. از این رو روسیه مورد توجه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. با نگاهی به گذشته، توجه به گسترش مناسبات تجاری و سیاسی راهبردی با روسیه، همواره مد نظر تمامی دولت‌های حاکم در جمهوری اسلامی بوده تا از این راه بستر برای ایجاد «هم‌گرایی راهبردی» با این کشور فراهم شود. تجربه مناسبات دو کشور در

طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۸ همواره تحقق چنین انگاره‌ای را با بیم و امید مواجه ساخته است. بیم از آن جهت که لازمه دستیابی به «همگرایی راهبردی»، داشتن منافع مشترک و تعریفی واحد از منافع ملی در بلندمدت میان بازیگران است. صرف اتکای به منافع نسبی مشترک با روسیه نمی‌تواند زمینه‌ساز تحقق هم‌گرایی راهبردی باشد، زیرا امکان تصادم منافع نسبی و ایجاد تعارض بین بازیگران در سیاست بین‌الملل همواره وجود دارد. مدیریت روابط ایران و روسیه فراتر از رابطه دوجانبه تهران - مسکو، یک مسئله بین‌المللی است و باید با دقت در ساختار سیستم بین‌المللی اداره شود. هرگونه تقلیل‌گرایی در مدیریت روابط دو کشور بخصوص تنزل تحلیلی آن به آمار و ارقام تجاری، لزوماً تأمین‌کننده منافع همه جانبه ایران نیست.

با این وصف، به‌رغم سیاست اوراسیا‌گرایی و حفظ استیلای سنتی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز و مطرح بودن ایران به عنوان رقیب این کشور، امکان «همکاری» میان روسیه و ایران در عرصه نفت و گاز و نیز مسیرهای انتقال انرژی وجود دارد. سیاست روسیه در راستای دستیابی به بازارهای هدف در آسیا از قبیل هند و پاکستان با بهره‌برداری از مجاورت جغرافیایی ایران با این بازارها، امکان همکاری راهبردی در این عرصه را می‌سازد. این در حالی است که در دوران پساتحریم و با حذف تمامی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، جمهوری اسلامی ایران به مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای تبدیل می‌شود. همچنین با توجه به افزایش نقش ایران در میانجی‌گری و حل و فصل مناقشه‌های آسیای مرکزی و قفقاز، روسیه حداقل در کوتاه مدت یا میان مدت به همکاری راهبردی ایران نیازمند است و این فرصت می‌تواند نویدبخش امید برای ایران در راستای تعمیق «مناسبات راهبردی» در دوران پساتحریم و حرکت به سوی هم‌گرایی راهبردی تلقی شود.

منابع

الف) فارسی

- اصولی، قاسم و رسولی، رؤیا، (۱۳۹۲)، «روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها و چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط»، *فصلنامه سیاست خارجی*، دوره ۲۷، شماره ۱، بهار.
- امید، علی، (۱۳۹۰)، «چالش‌های ساختاری روابط راهبردی ایران و روسیه: سلطه‌ستیزی ایرانی و عمل‌گرایی روسی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی*، دوره چهارم، بهار و تابستان، شماره ۸.
- امیری، مهدی، (۱۳۸۷)، «روابط دفاعی ایران و روسیه و تأثیرات آن بر امنیت منطقه»، *مجلس و پژوهش*، دوره چهاردهم، شماره ۵۸.
- باقری دولت‌آبادی، علی، (۱۳۹۳)، «رویکردی نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره هفتم، بهار و تابستان، شماره ۱.
- بالازاده، زهرا و غیبی، فهیمه، (۱۳۹۰)، «مقایسه تحلیلی روابط ایران و روسیه در دوران آقایان خاتمی و احمدی‌نژاد، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل»، دوره ۴، تابستان، شماره ۱۵.
- بخشایش اردستانی، احمد و محمدی نیگجه، علیرضا، (۱۳۸۸)، *روابط خارجی ایران در نظام بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: پلیکان.
- بهشتی‌پور، حسن، (۱۳۹۳)، روابط دفاعی روسیه و ایران و احتمال تحویل اس ۳۰۰ - گفتگو با حسن بهشتی‌پور، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تاریخ دسترسی (۱۳۹۴/۲/۲۲). قابل مشاهده در سایت: <http://peace-ipsc.org/fa/author/admin>.
- بهشتی‌پور، حسن، (۱۳۹۳)، افزایش حوزه‌های همکاری مشترک ایران و روسیه - گفتگو با حسن بهشتی‌پور، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۲/۲۲، قابل مشاهده در سایت: <http://peace-ipsc.Org/fa/?cat=24>.
- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، (۱۳۹۳/۶/۶)، شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۲/۱۲، قابل مشاهده در سایت: <http://www.entekhab.ir>.
- پایور، منوچهر، (۱۳۸۲)، «روند جدید روابط ایران و روسیه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، دوره ۱۰، زمستان، شماره ۴.
- ثقفی عامری، ناصر، (۱۳۸۵)، «در جستجوی افق‌های جدید در سیاست خارجی ایران: سیاست نگاه به شرق»، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهشی سیاست خارجی، پژوهش شماره ۵.

- جعفری، علی اکبر و تقی‌نژاد، روح‌الله، (۱۳۹۱)، «بایسته‌های روابط آینده ایران و روسیه: از الزامات «انرژی محور» تا اقتضائات «فناوری پایه»، فصلنامه‌ی *اسیای مرکزی و قفقاز*، زمستان، شماره ۸۰.
- جعفری، علی اکبر و ذوالفقاری، وحید، (۱۳۹۲)، «روابط ایران و روسیه، هم‌گرایی و واگرایی؟»، فصلنامه‌ی *مطالعات اوراسیای مرکزی*، بهار و تابستان، دوره ۶، شماره ۱۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۲۰۰۱-۱۹۹۱*، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاوندی کاتب، ابوالفضل، (۱۳۸۹)، «روابط ایران و کشورهای عربی پس از حمله امریکا به عراق»، فصلنامه‌ی *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۲.
- داداندیش، پروین، (۱۳۸۶)، «گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه‌های تعامل ایران و روسیه»، فصلنامه‌ی *ژئوپلیتیک*، دوره سوم، بهار، شماره ۱.
- دوژتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، (۱۳۷۶)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ دوم، تهران: قومس.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۲/۴/۳۱)، *گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، همشهری آنلاین، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۲/۱۱، قابل مشاهده در سایت: <http://www.hamshahrionline.ir>
- دیوکوف، الکساندر، (۱۳۹۴/۳/۳۱)، «علاقه‌مندی شرکت گازپروم نفت روسیه برای همکاری با ایران در دوران پساتحریم»، کدخبر: ۸۱۶۵۴۹۱۵ (۴۷۲۶۷۴۸)، قابل مشاهده در سایت: <http://www.irna.ir/fa/News/81654915>
- رضازاده، سخاوت، (۱۳۸۴)، «ملاحظات مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، *مجلس و پژوهش*، دوره ۱۲، تابستان، شماره ۴۸.
- روحانی، حسن، (۱۳۹۴/۶/۱۹)، ایران خود را برای دوران پسامذاکره و پساتحریم آماده می‌کند، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۳/۲۶، قابل مشاهده در سایت: <http://www.khabaronline.ir>
- زمانه، (۱۳۸۷)، «صلح سرد در روابط ایران و روسیه»، شماره ۷۲، قابل مشاهده در سایت: <http://www.ihcs.ac.ir>
- سیف‌زاده، سید حسین، (۱۳۷۸)، «عرصه سیاست جهانی، جایگاه ایران و روسیه و رابطه دو کشور»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، بهار، شماره ۲۵.
- صفری، مهدی، (۱۳۸۴)، *ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری*

- اسلامی/ایران، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عطایی، فرهاد و شیبانی، اعظم، (۱۳۹۰)، «زمینه‌های همکاری و رقابت ایران و روسیه در آسیای مرکزی در چارچوب ژئوپلیتیک»، *مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۴، بهار و تابستان، شماره ۸*
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- کاظمی، سیدعلی اصغر، (۱۳۷۰)، *نظریه‌های همگرایی در روابط بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: قومس.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۸)، *روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری‌ها)*، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۹۳/۱۱/۱)، چرا ولایتی با پوتین دیدار کرد؟، سایت تابناک، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۲/۱۲، قابل مشاهده در سایت: <http://www.tabnak.ir>
- کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، «ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟»، *فصلنامه روابط خارجی، دوره ۲، پاییز، شماره ۳*.
- کولایی، الهه، (۱۳۷۸)، *فدراسیون روسیه*، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مامدوآ، نینا، (۱۳۸۵)، «مناسبات اقتصادی ایران و روسیه»، *فصلنامه ایراس*، پاییز، شماره ۱.
- مامدوآ، نینا، (۱۳۸۸)، «مناسبات ایران و روسیه در سال ۲۰۰۸»، *دوماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، خرداد و تیر، شماره ۲۳*.
- مجتهدزاده، پیروز و رشیدی نژاد، احمد، (۱۳۹۰)، «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران (۲۰۰۸-۲۰۱۰)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، تابستان، شماره ۲*.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- مولانا، سیدحمید و محمدی، منوچهر، (۱۳۸۸)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، چاپ سوم، تهران: نشر داد گستر.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۹۴/۹/۳)، «روایت دکتر ولایتی از دیدار دیروز پوتین با رهبر انقلاب». تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۹/۳، قابل مشاهده در سایت: <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=31496>

(ب) انگلیسی

- Aras, Bule and Fatih Ozbay, (2008), "The Limits of the Russian- Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics, and the Nuclear Issue", *Korean Journal of Defense Analysis*. Vol 20. No.1.
- Burns, Nathan L, and Houman A. Sadri, (2008), "Russia, Iran, and Strategic Cooperation in the Caspian Region", *Paper Presented to the 49th Annual ISA Convention San Francisco*, March.pp. 1-39. Retrieved from:< [http:// www. all academic .Com](http://www.allacademic.Com)>.
- Energy Information Administration, (EIA), (2016), "Country Analysis Briefs", Retrieved From: [http://< www.eia.doe.gov](http://www.eia.doe.gov)>.
- Gehring, Thomas, (1996), "Integrating Integration Theory: Neo-functionalism and International Regimes", *Global Society*, Vol. 10, No. 3.
- Haas, ErnstB, (1975), "The Obsolescence of Regional Integration Theory Berkeley: University of California", *Institute of International Studies*, Research Series, No. 25.
- Heydemann, Steven, (2010), "Iran's Regional and Global Relations". *Working Group on Iran's Regional and Global Relations*, Retrieved from:< <http://www.stimson.org>>.
- Katzman, Kenneth, (2016), "Iran's Foreign Policy", *Congressional Research Service*, Retrieved from:< <https://www.fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>>.
- Khajehpour, Bijan, (2012), "The Role of Economic & Energy Relations with Turkey and Russis in Irans National Strategy", *Center for Strategic & International Studies*, Ankara. March 29.PP.1-23. Retrieved from:< <http://csis.org>>.
- Koolae, Elaheh, (2008), "Iran and Russia", Conference on Russia and Islam, Edinburgh, Retrieved from:< <http://www.pol.ed.ac.uk>>.
- Milani, Abbas, (2007), "Russia and Iran: An Anti Western Alliance?", *Current History*. October. pp. 328-332. Available at:< <http://web.stanford.edu>>.
- Mitrany, David, (1975), *The Functional Theory of Politics*, London: Martin Robertson & Company.
- Naumkin, Vitali, (1998), "The Russian-Iranian Relations: Present Status and Prospects for the Future", *Journal of International Affairs*, march - May. Vol. 3. No.1.
- Plano, Jack. Roy, Olton, (1982), *The International Relation Dictionary*, Western Michigan University Press.
- Popovicu, Adrian-Claudiu, (2010), "David Mitrany and Functionalism, The Beginnings of Functionalism", *Revista Româna de Geografie Politica*, Vol. XII,

No.1, May.

- Proveaux, Adam, (2014), “*Russian-Iranian Relations: A General Overview Including Russia’s Involvement in the Iranian Nuclear Program*”, Pp.1-10. Retrieved from:<<http://www.geostrategicforecasting.com>>.

- Putin, Vladimir, (2016), “President Putin: Iran-Russia ties are ‘strategic’ ”. Retrieved from:< <http://www.Tehrantimes.com/PDF/12483/12483-2.pdf>>.

- Sanaie, Mehdi, (2007), “Problems and Prospects of Iranian-Russian Relations”, *Russia in global Affairs*, Vol. 5. No. 3. July-September.

- Shokri, Omid, (2013), “Iran – Russia Relations under Ahmadinejad Era”, *International Affairs and Global Strategy*, Vol.7.

- Trenin, Dmitri & Malashenko, Alexey, (2010), “Iran: A View from Moscow”, *Carnegie Endowment for International Peace*, Retrieved from:< www.CarnegieEndowment.org>.

- Voronova-Abrams, Marina, (2010), “Russia’s Uneasy Relationship with Iran”, *Security and Sustainability Program, Global Green USA*, March 30, Retrieved from:< <https://www.english.globalarabnetwork.com>>.